



۲۰۱۶/۱۱/۱۲



سید همایون شاه "عالمی"

## چهره غم انگیز



آتش فشانِ قلبم در بینِ سینه دیدم  
خون دلم به دستش هم‌رنگ خینه دیدم  
اندر نگاه گرمش دستم ز پا خطا شد  
از لابلای زلفش لعلی قرینه دیدم  
عمری در آرزویش آتش به دل کشیدم  
زهر زبان چشیدم بس بخل و کینه دیدم  
خوبان وفا نکرد و تنهایی را گزیدم  
از عرف سوی عشقم تا بام زینه دیدم  
تا از جبین معنی نور گهر بچیدم  
در چهر غم نهانی گوهر حسینه دیدم  
طعن زبان عامه صد نقطه است و کامه  
هر نکته سطر نامه با زهر پینه دیدم  
اندر دغا ریاء را مرغوب یابی امروز  
اندر وفا قبا را من پینه پینه دیدم  
در خاتم دو رویی زرق نگین مجویی  
در مشتری عاشق نور نگینه دیدم

تا جهل خاکیان شد در خشم آسمان شد  
در روز آفتابی ابر شبینه دیدم  
تدبیر عارفان کو؟ تفسیر عاشقان کو؟  
تزویر زاهدان را دائم دفینه دیدم  
تا نفس زیر پایم گردن نهاده خم شد  
قلب قناعت خود روشن سفینه دیدم  
دیدم "همایون" اینجا در چهره تمنا  
دردِ فراقِ جانان اندر خزینه دیدم

افغانستان - ۴ نوامبر سال ۲۰۱۶ میلادی

